

سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام

محمد رضا عامری برکی^۱ / سعدون صالحی^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. نوع این پژوهش کیفی است. برای رسیدن به هدف پژوهش از روش تحلیلی - اسنادی استفاده شده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در مورد عوامل پژوهش یعنی اخلاق، تربیت اخلاقی، سیره پیامبر و اهل بیت، اصول مبانی و روش‌های تربیت اخلاقی از تمام کتاب‌های روایی، تاریخی و پژوهش‌ها در این زمینه بهره گرفته شده است؛ بدین معنی که ابتدا به شناسایی و گردآوری منابع مورد نیاز همراه با فیش‌برداری و ثبت موضوعات مورد نظر پرداخته شد. سپس داده‌ها طبقه‌بندی و در نهایت مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی است که در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) سه مبنا استنباط، و از هر مبنا یک اصل و از هر اصل دو روش استخراج شده است که جداگانه به آنها پرداخته شد. مبناى اول هماهنگی عقل و وحی است. اصل ناظر بر این مبنا تعامل تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی است و روش‌های ناظر بر این اصل نیز تبیین ارزش‌های اخلاقی و مبارزه با هوای نفس است. مبناى دوم هماهنگی دین و اخلاق است. اصل ناظر بر این مبنا درهم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی است و روش‌های ناظر بر این اصل پاک‌کردن محیط مظاهر فساد و امر به معروف و نهی از منکر (ایجاد فضای اخلاقی) است. سومین مبنا هماهنگی حسن فعلی و حسن فاعلی است. اصل ناظر بر این مبنا تعامل انگیزه و عمل است و روش‌های ناظر بر این اصل تحریک ایمان و اعتقادات دینی متربیان و پرورش میل و اشتیاق در به دست آوردن فضیلت‌ها و توانایی مخالفت با رذیلت‌هاست.

کلیدواژه‌ها: مبانی و اصول در تربیت اسلامی، سیره تربیتی فاطمه‌زهرا علیها السلام، ارزش اخلاقی، رفتار اجتماعی.

مقدمه

در عصرى زندگى مى‌کنیم که انحطاط اخلاقى زيادى گريبان‌گیر جوامع شده و از سويى در اثر پیشرفت صنعت و فناوری و ارتباطات نزدیک ملت‌ها همه چیز در همه‌جا در دسترس همه‌کس قرار گرفته است و مرزها را در هم شکسته، «مفاسد اخلاقى» نیز بسیار گسترش پیدا کرده است؛ به همین دلیل و تا اقصی نقاط جهان پیش رفته تا آنجا که صدای بنیان‌گذاران مفاسد اخلاقى نیز در آمده است. بی‌اعتنائى به ارزش‌هاى اخلاقى و کم‌رنگ‌شدن آن در تربیت نسل جدید نیز به چشم مى‌خورد، و یکی از مهم‌ترین دلایل این معضلات، نپرداختن متفکران و اندیشمندان تعلیم و تربیت به مسائل ارزشى و اخلاقى است.

اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقى به اسلام و جامعه‌هاى اسلامى اختصاص ندارد. تجربه نشان داده است که انسان، خواه به دینى آسمانى متدین باشد یا نباشد، هیچ‌گاه حتى در دوره مدرن و پسامدرن از تربیت اخلاقى بی‌نیاز نیست. در دوران معاصر در کشورهاى غربى به‌دنبال پیشرفت‌هایی که در زمینه علوم تجربى به‌دست آمد، به تدریج اصول اخلاقى و توجه به فضایل و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاقى، کم‌رنگ شده است. انسان، که در نظام آفرینش جایگاه ویژه‌ای دارد و به لحاظ تکوینى در جهت دستیابى به کمال از وجود نیروهائى چون قوه عقل و خرد و اراده برخوردار است، تکامل او به وجود قوای تکوینى و طبیعى در وی منحصر نمى‌شود. بلکه او موجودى است که روح‌الهی در او دمیده شده؛ و قوای ذکر شده فقط لازمه سیر او به مدارج عالی کمال است و برای به فعلیت رساندن این قوا یعنی تخلق انسان به اخلاق الهى و کمالات متعالی انسانى به عنصر تشریع نیاز دارد و مهم‌ترین ویژگی اسلام و پرورش اخلاقى انسان‌ها غنای کامل این مکتب به همه ابزار و لوازمى است که برای این رشد و اعتلا

ضرورت دارد. اسلام به عنوان دینى همه‌جانبه و چندبعدى، اساس و مبانى تربیت اخلاقى خود را بر پایه اعتقاد و ایمان به ذات اقدس خداوندی قرار داده و اصلاح اخلاقى انسان‌ها و مبارزه با مفاسد اخلاقى را از مهم‌ترین اهداف پیامبران برشمرده است.

مکاتب مختلف به دلایل متعددى چون محدودیت دایره علم و آگاهی، ویژگی‌هاى شخصى و شخصیتى بنیان‌گذاران آن مکاتب، وضعیت و مقتضیاتى که اطراف آنها را فرا گرفته، هرکدام به انسان از دیدگاهی نگرینسته و برآن اساس قالبى بر او ساخته‌اند. در نگرش اسلامى جهان هستى، طبق «حکومت بالغه الهى» عالم بروز شایستگی‌ها و کمال‌ها است و هر موجودى به تناسب ظرفیت وجودى خویش، جلوه‌هاى حقیقى خود را در عرصه هستى آشکار مى‌سازد و در حد امکان نیروها و قوای ذاتى را به فعلیت مى‌رساند؛ به تعبیرى دیگر تمام هستى خود را نشان مى‌دهد.

سیره در لغت

سیره بر وزن «فعله» از کلمه «سیر» گرفته شده است. سیر به معنای حرکت و راه رفتن است و سیره به معنای رفتار. چون وزن فعله در زبان عربى بر نوع، کیفیت و هیئت عمل دلالت دارد، سیره به معنای حالت و چگونگى حرکت است؛ مانند: «جلست جلیسه‌العبد؛ بنده‌وار نشستم» که چگونگى نشستن را بیان مى‌کند. برخى محققان از دلالت وزن فعله بر نوع و هیئت عمل، چنین برداشت کرده‌اند که سیره بر سبک و روش عمل دلالت دارد و از این رو گفته‌اند سیره‌نویسان معمولاً از این نکته تخطی کرده‌اند و به رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرداخته‌اند، نه سبک رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (مطهرى، ۱۳۶۷: ۴۷) در بررسی این دیدگاه باید به این مطلب توجه داشت که سیره دو معنا دارد:

۱. سیره در اصطلاح، گاه به معنای چگونگى و نوع

اوضاع و احوال زندگی بیان می‌کند. افزون بر این، وحی در مقام عمل، حامی اجرای ارزش‌های اخلاقی است.

این اصل همواره مورد توجه فیلسوفان مسلمان نیز قرار داشته است؛ از باب مثال، خواجه‌نصیرالدین طوسی یادآور می‌شود که شأن نخست عقل این است که برخی فضایل و رذایل را از باطل تشخیص دهد و به ناچار برای دستیابی به این هدف باید دست مسئلت به سوی وحی دراز کرد و با شاگردی در مکتب پیامبران الهی، راه رسیدن به سعادت را آموخت. در روایات متعددی بر این مطلب تصریح شده که خداوند برای هدایت انسان به سعادت، دو حجت قرار داده است: عقل و شرع.

امام صادق(ع) خطاب به هشام می‌فرماید: ای هشام، خداوند بر مردم دو حجت قرار داده است: حجت ظاهر و حجت باطن. حجت ظاهر، پیامبران و امامان عليهم‌السلام هستند و حجت باطن، عقل مردم است.

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: ابن سکیت از امام(ع) می‌پرسد، امروز حجت خدا بر مردم چیست؟ امام(ع) در پاسخ می‌فرماید: عقل با آن نسبت‌های درست به خداوند شناخته و تأیید می‌شود و نسبت‌های دروغ به خداوند نیز شناخته و تکذیب می‌شود. ابن سکیت گفت: به خدا سوگند، جواب همین است. در این روایت به رابطه عقل و وحی پی می‌بریم که عقل به‌عنوان منبعی مستقل از وحی نمی‌تواند همه دستوره‌های لازم برای هدایت انسان به سعادت واقعی را کشف و بیان کند، بلکه تنها با استناد به اصولی کلی می‌تواند انسان را به سوی دین صحیح هدایت و دستوره‌های واقعی دین را از دستوره‌های جعلی و تقلبی بازشناسی کند.

درهم‌تنیدگی تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی

اصل ناظر بر هماهنگی عقل و وحی، پرورش تفکر و تعبد اخلاقی است. تفکر اخلاقی به معنای رشد دادن و تقویت توانایی اندیشه‌اخلاقی و تصمیم‌گیری درباره مسائل

عمل است. این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آنجا که هیچ فعالیتی بدون حالتی خاص تحقق نمی‌یابد و حالت رفتار، جدا از رفتار نیست؛ سیره در این مفهوم، همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی را شامل می‌شود. این معنای نخست و اصیل سیره است که البته ربط چندانی به سبک و قاعده رفتار ندارد.

۲. معنای دوم سیره «سبک و قاعده رفتار» است. این معنا اخص از معنای اول است و از آنجا که معمولاً هر رفتار و عملکرد، به ویژه اگر از فاعل حکیم و به‌صورت پیوسته اتفاق افتد، تابع قانون و سبکی ویژه است، گاهی «سیره» به معنای سبک، شیوه و قاعده حاکم بر رفتار به کار می‌رود و آنچه استاد شهیدمطهری بدان اشاره دارد، بر همین اصطلاح استوار است. اما در اصطلاح مورخان، «سیره» به همان معنای اول استعمال شده که هم رایج و هم دقیق است و جای خرده‌گیری بر آنان نیست. البته بررسی سیره به معنای اول، مقدمه‌ای است برای دستیابی به قواعد و سبک حاکم بر سیره، که همان معنای دوم است.

مبانی، اصول و روش استنباطی از بررسی سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)

هماهنگی عقل و وحی

عقل و وحی، هر دو در تشخیص ارزش‌های اخلاقی و رفتار شایسته و ناشایست نقش دارند؛ هم‌چنین گرچه عق توانایی برخی قواعد کلی اخلاقی را دارد در تشخیص مصداق‌های قواعد کلی و تطبیق آنها بر موارد و اوضاع و احوال خاص و نیز در تشخیص قواعد جزئی‌تر اخلاقی به وحی نیازمند است؛ بدین ترتیب در سیره معصومان(ع) عقل و وحی مکمل یکدیگرند و انسان برای شناخت خوب از بد به عقل و وحی هر دو نیازمند است. عقل اصول و ارزش‌های کلی اخلاقی را به ما می‌شناساند و وحی تفصیل آنها و جزئیات آنها را در موارد مختلف

و جستجو به آنها پی نمی‌برد و می‌داند که اگر با علم به اراده و کراهت و طاعت و معصیت خداوند پی نبرد، از عقلش نیز سودی نمی‌برد؛ از این رو، جستجوی علم و ادب که جز به آنها برپا نیست برعاقل لازم است.

مطابق این روایت، انسان با کمک عقل، خدا را می‌شناسد؛ چنان‌که به وسیله عقل خوب را از بد و زشت را از زیبا تشخیص می‌دهد؛ با وجود این از راهنمایی‌های الهی بی‌نیاز نیست و به همین سبب انسان به یاری عقل در می‌یابد، خداوند طاعت و معصیت و امر و نهی‌هایی دارد و برای دست یافتن به دستور خداوند باید به وحی روی آورد و در مکتب پیامبران زانوی شاگردی بزنند. بنابراین، مطابق این روایت، عقل نه تنها با وحی تعارضی ندارد، بلکه مکمل آن است؛ زیرا خود عقل انسان را به وحی هدایت می‌کند.

بنابراین در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) تفکر و تعبد در تربیت اخلاقی لازم و ملزوم یکدیگر است. کسی که توانایی تفکر و درک و فهم اخلاقی ندارد، ولی به دستور اخلاقی دین متعبد است، سر از قشری‌گری و تحجر و خرافات در می‌آورد و در مقابل کسی که از فهم و درک اخلاقی برخوردار است ولی به دستور اخلاقی دین متعبد نیست، سرنوشتی جز لابلایگیری اخلاقی و گمراهی ندارد. در اینجا تذکر این نکته لازم است که تعبد به دستور اخلاقی خداوند در صورتی پسندیده است که شخص با استفاده از روش‌های معقول و پذیرفته شده مطمئن شود که آن چه می‌خواهد به آن تعبد بورزد، واقعاً دستور خداوند است؛ بنابراین تا شخص به این نتیجه نرسیده باشد، تعبد به دستور اخلاقی تحت عنوان دستور اخلاقی الهی، پسندیده نیست و در این صورت، چه بسا شخص به چیزهایی متعبد می‌شود که نه واقعاً از نظر عقل و نه از نظر دین، پسندیده نیست. در سیره معصومان(ع) بر پرورش هر دو جنبه تفکر اخلاقی و تعبد اخلاقی با هم تأکید شده است.

اخلاقی است. تعبد اخلاقی به معنای رشد دادن و تقویت روحیه تسلیم و پیروی از دستور الهی در مسائل اخلاقی است. در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) تفکر و تعبد، نه متضاد، بلکه مکمل یکدیگر است؛ زیرا هر یک از این دو، نقش و کارکرد جداگانه‌ای دارد. نقش و کارکرد عقل این است که اولاً اصول و خطوط کلی فضیلت‌ها و رذیلت‌ها و رفتارهای شایسته را برای ما مشخص می‌کند. ثانیاً از آنجا که عقل نمی‌تواند همه مصداق‌های رفتارهای پسندیده را در تمام موقعیت‌ها تشخیص دهد، انسان را برای تشخیص خوب از بد و زشت از زیبا به سوی وحی الهی و دین، که توانایی تشخیص همه مصداق‌های خوب از بد و زشت از زیبا را در تمام موارد دارد، راهنمایی می‌کند. ثالثاً عقل پس از دریافت هدایت الهی به انسان در درک و فهم صحیح دستور اخلاقی دین و نیز در تطبیق آنها بر موارد و موقعیت‌های مختلف یاری می‌کند. پس از دریافت دستور الهی و شناخت آن، نوبت تعبد و پیروی از آن است و انسان نمی‌تواند به بهانه‌های واهی از پذیرش و تسلیم در برابر آن سرباز زند: «به این روایت توجه شود: امام صادق(ع) در حدیثی طولانی می‌فرماید. اول و اصل و مایه تقویت و آبادانی هر چیزی که انسان بی‌آن از هیچ چیز سود نمی‌برد، عقل است که درک می‌کند آفریننده خود را و اینکه خودشان آفریده شده‌اند و اینکه خداوند مدیر آنان نیکو را از زشت باز می‌شناسد و در می‌یابد که تاریکی در جهل و روشنائی در علم ریشه دارد؛ این چیزی است که عقل آنها را به آن راهنمایی کرده است، به امام گفته شد: آیا بندگان خداوند می‌توانند به عقل بسنده کنند؟ امام(ع) فرمود: عاقل یا راهنمای عقل که خداوند آن را مایه قوام و زینت و هدایت او قرار داده است، در می‌یابد که خداوند حق است و تنها او پروردگار اوست و در می‌یابد که آفریننده او محبت و کراهتی و طاعت و معصیتی دارد؛ پس عقلش او را به این راهنمایی می‌کند و می‌داند که جز با علم

هماهنگی دین و اخلاق

در سیره معصومان(ع) دین و اخلاق نه تنها از یکدیگر جدا نیست، بلکه اخلاق، بخشی از دین و دین بنیاد و اساس اخلاق است. نتیجه و میوه ایمان توحیدی است و در نتیجه روح توحید در همه آموزه‌های اخلاقی سریان دارد و از سوی دیگر روح اخلاق نیز بر همه رفتارهای دینی سایه انداخته است. افزون بر این، ایمان اسلامی پشتوانه اجرایی اخلاق اسلامی و از سوی دیگر، اخلاق اسلامی نیز حافظ ایمان اسلامی است. در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) اخلاق، بخشی از دین اسلام است؛ زیرا اسلام افزون بر بعد اخلاقی، بعد اعتقادی، سیاسی و فقهی هم دارد. پیامبر اکرم(ص) فرمود: *إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق*؛ همانا مبعوث شدم برای اینکه مکارم اخلاق را تکمیل کنم. بر پایه این روایت می‌توان گفت، نه تنها هدف دین تهذیب اخلاق است، بلکه اخلاق معادل دین است و دین چیزی جز اخلاق نیست. ایمان به خداوند یگانه همه اخلاق اسلامی را به صورت خلاصه و فشرده در خود دارد و اخلاق اسلامی نیز چیزی جز تفصیل و گسترش ایمان توحیدی نیست. بنابراین، روح توحید در تمام آموزه‌های اخلاقی اسلام جاری و ساری است و روح اخلاق در تمام اعمال دینی جاری و ساری است. از سوی دیگر، ایمان اسلامی ضامن اجرای قواعد اخلاقی است؛ برای مثال، اگر اعتقاد به معاد در کار نباشد، هیچ عاملی نمی‌تواند انسان را از پیروی هواها و هوس‌های خود باز دارد. در مقابل، اخلاق اسلامی نیز حافظ ایمان دینی است. در سیره معصومان(ع) دین و اخلاق رابطه‌ای ناگسستنی و مستحکم دارد؛ در سیره آنها تمام فضایل و رفتارهای اخلاقی بخشی از دستور دینی است و نه چیزی مستقل از آن؛ برای نمونه فضیلت عفت، اصلاح میان مردم، اهتمام به کار دیگران و رفع مشکلات آنها و حیا که از فضیلت‌های اخلاقی است در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) به عنوان بخشی از دین اسلام و دستور دینی مطرح شده است. امام

محمد باقر(ع) می‌فرماید: «برترین عبادت، عفت دامن و شکم است» در این روایت عفت دامن و شکم، عبادت تلقی شده است. در روایت دیگری اصلاح میان مردم، صدقه که عبادت مالی است به‌شمار آمده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «خداوند آن را که اصلاح میان مردم برقرار می‌نماید دوست دارد، هنگامی که رابطه آنها به هم خورده باشد و نزدیک کردن آنها به یکدیگر را، هنگامی که از هم فاصله گرفته‌اند». هم‌چنین اهتمام به کار مردم و ویژگی اساسی مسلمانی دانسته شده است. پیامبر(ص) فرمود: «آنکه شب را به صبح برساند و به امور مسلمانان توجهی نداشته باشد، مسلمان نیست».

و نیز حیا (شرم از رفتارهای ناپسند) بعد از ایمان به شمار آمده است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «حیا از ایمان است و جایگاه ایمان در بهشت است». از روایات پیش‌گفته، روشن می‌شود که اخلاق اسلامی در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) پیوندی محکم با دین اسلام دارد. در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) اخلاق بخشی از دین اسلام است؛ زیرا اسلام افزون بر بُعد اخلاقی، بُعد اعتقادی، سیاسی و فقهی هم دارد.

ارتباط دین با اخلاق

اینکه اخلاق اسلامی بخشی از دین است در سیره معصومان(ع) هدف غایی دین اسلام تهذیب خلق و خوی آدمی است. مردی نزد پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، دین چیست؟ فرمود نیک‌خویی. سپس از سمت راست پیامبر(ص) آمد و عرض کرد دین چیست؟ فرمود نیک‌خویی. آن‌گاه از سمت چپ آمد و عرض کرد دین چیست؟ فرمود نیک‌خویی. پس از پشت سر پیامبر(ص) آمد و گفت دین چیست؟ پیامبر رو به او کرد و فرمود مگر نمی‌فهمی؟ دین یعنی که خشم نگیری. همه این روایات، آشکارا ایمان را معادل نیک‌خویی دانسته‌اند و حتی روایت آخر، دین را معادل خوش‌خلقی و خشم

نگرفتن دانسته است. بر پایه این روایات می‌توان گفت نه تنها هدف دین تهذیب اخلاق است، بلکه اخلاق معادل دین است و دین چیزی جز اخلاق نیست.

درهم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی

درهم تنیدگی تربیت اخلاقی و تربیت دینی بدین معنا است که اولاً تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بخشی از تربیت دینی است و نه چیزی جدا و مستقل از آن. ثانیاً تربیت اخلاقی در آموزه‌های دینی ریشه دارد. از آنجا که در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) اخلاق بخشی از دین اسلام است و رابطه عمیق این دو را به هم پیوند داده و دین اساس اخلاق و اخلاق ثمره دین است، طبیعی است که تربیت اخلاقی و تربیت دینی نیز با یکدیگر رابطه محکم و عمیق داشته و درهم تنیده باشد؛ از این رو، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) هم رفتارهای اخلاقی خود و هم فعالیت‌هایشان در تربیت اخلاقی همگی را به عنوان وظیفه‌ای دینی و نه مستقل از دین، انجام می‌دادند.

بهترین مؤید این مدعا، سخن معروف پیامبر اکرم(ص) است که فرمود: همانا مبعوث شدم تا مکارم اخلاقی را تکمیل کنم. مطابق این روایت هدف بعثت پیامبر(ص) تکمیل مکارم اخلاق در میان مردم بوده است؛ این بدین معنا است که در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) تربیت اخلاقی عین تربیت دینی است. توجه به این اصل در تربیت اخلاقی دو نتیجه عملی دارد: نخست اینکه تربیت اخلاقی را نمی‌توان از تربیت دینی جدا کرد. در طول تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی نیز برخلاف کشورهای سکولار، تربیت اخلاقی نه جدا از تربیت دینی، بلکه در ضمن تربیت دینی صورت می‌گرفت. الا هوانی معتقد است از آنجا که دین اسلام یکی از بنیادهای اخلاق و اخلاق اسلامی بخشی از دین اسلام است، مسلمان‌ها از قدیم به آموزش دین اهتمام داشتند و در ضمن آموزش دین در واقع، تربیت اخلاقی

هم صورت می‌گرفت.

امربه معروف و نهی از منکر (ایجاد فضای اخلاقی در جامعه)

مراد از فضای اخلاقی یا حاکمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه این است که ارزش‌های اخلاقی در جامعه جایگاهی برتر بیابد و همه خود را موظف و متعهد به رعایت آنها بدانند؛ به عبارت دیگر، ایجاد فضای اخلاقی به معنای حاکم شدن ارزش‌های اخلاقی اسلامی است.

اما حاکمیت ارزش‌های اخلاقی نه به معنای حاکمیت از طریق اعمال فشار و زور، بلکه بدین معنا است که افراد از صمیم قلب برای آنها ارزش قائل شوند؛ آنها را بپذیرند و به آنها پایبند باشند. دقت در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که آنان همه تلاش‌ها و کوشش‌های خود را صرف حاکم کردن ارزش‌های اخلاقی اسلام و ایجاد فضای اخلاقی در جامعه می‌کردند. پیامبر(ص) در طول اقامت خود در مدینه با تدابیری خاص به بهترین وجه ارزش‌های اخلاقی اسلامی را در جامعه مدینه حاکم کردند به گونه‌ای که کسی جرأت تخلف از آنها را به خود نمی‌داد. داستانی هست درباره جوانی که خدمت پیامبر(ص) رسید و از ایشان اجازه زناکردن می‌خواست، مؤید این مطلب است؛ زیرا هنگامی که جوان چنین درخواستی از پیامبر(ص) کرد، همه اصحاب به سوی او هجوم بردند و او را از این کار منع کردند. این سیره نشان می‌دهد که همه مسلمانان از عمق وجود خود ارزش‌های اخلاقی را پذیرفته و به آن پایبند بودند و به همین سبب، اگر کسی در صدد زیر پا گذاشتن آنها بر می‌آمد با مخالفت و واکنش جدی آنها روبه‌رو شد. هنگامی که فضای اخلاقی مناسب به وجود بیاید، نسل جدیدی که در آن زیست می‌کند به صورت عملی با ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شود و بر اساس ساز و کار تقلید و هم‌رنگی، آن را در زندگی روزمره خود به کار

این دنیا به گونه‌ای است که گرایش‌ها، عواطف، احساسات و رفتارهای مادی، که از لشکریان جهلند، زودتر از گرایش‌ها و عواطف عالی که از لشکریان عقلمند، بروز و ظهور پیدا می‌کنند؛ زیرا انسان به طور معمول به دسته اول توجه بیشتری دارد و همین موجب می‌شود زمینه برای رشد عواطف عالی، تنگ و محدود گردد و رشد و شکوفایی آنها مستلزم فعالیت بیشتری باشد. یکی از ابزارهای رسیدن به این هدف، امر و نهی است؛ امر و نهی، فرد را وادار می‌کند برخلاف میل باطنی‌اش به دسته دوم نیز توجه کند، تا بتدریج زمینه برای شکوفایی آنها نیز فراهم گردد. دوم اینکه افراد انسانی نیز در تأثیرپذیری از روش‌ها با یکدیگر تفاوت دارند: عده‌ای از روش‌های بیرونی و گروهی نیز از روش درونی بیشتر تأثیر می‌پذیرند.

سیره تربیتی ام ابیها فاطمه‌زهرا(س)

فاطمه (علیها‌السلام) کوثر است. فاطمه (علیها‌السلام) نور است. فاطمه (علیها‌السلام) ثمرهٔ چهل روز عبادت است. فاطمه (علیها‌السلام) قبل از آسمان و زمین و آدم (علیه‌السلام) خلق شد. او مادر یازده امام است. فاطمه (علیها‌السلام) در عبادت پاهایش ورم بست. فاطمه (علیها‌السلام) عاشق نماز، و نماز همراه او بود. ایشان حامی ولایت، و شهید راه ولایت بود.

فاطمه (علیها‌السلام) الگوی زنان و مردان است. فاطمه (علیها‌السلام) وجودش از عبادت و نماز است؛ هنگامی که در محراب عبادت می‌ایستاد، هفتاد هزار فرشته مقرب بر او درود و سلام می‌فرستادند. بیشتر مردم بر این باورند که وجه احترام و شکوه حضرت زهرا (علیها‌السلام) به این دلیل است که او دختر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ درحالی که از مقام معنوی و عظمت روح این بانوی سترگ اسلام، و مقام ولایت کبرای ایشان غافلند. فاطمه (علیها‌السلام) از نور آفریده شد، با نور زندگی کرد و از نورش جهان را تا ابد

می‌بندد و بدین ترتیب، بتدریج عادت‌های اخلاقی نیکو در آنها پرورش و رشد می‌یابد و پایدار می‌شود. در دوران معاصر نیز ایجاد فضای اخلاقی به عنوان روش تربیت اخلاقی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. لیکونا ایجاد فضای اخلاقی را روشی مؤثر در تربیت اخلاقی می‌داند و می‌نویسد: «این روش موجب می‌شود دانش‌آموزان از مرحلهٔ سخن فراتر روند و آنچه را می‌گویند، جامعه عمل ببوشانند».

کسی که در جامعه‌ای زندگی می‌کند که افرادش در مقابل ارزش‌های اخلاقی اسلام احساس مسئولیت می‌کنند و در برابر زیر پا گذاشته‌شدن آنها واکنش نشان می‌دهند بتدریج با ارزش‌ها و ضدا ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌شوند؛ به علاوه با سلسله مراتب ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها نیز آشنا می‌شود؛ زیرا مشاهده می‌کند که جامعه در برابر تخلف از برخی ارزش‌ها، واکنش شدید و در مقابل تخلف از برخی دیگر، واکنش ضعیف نشان می‌دهد؛ هم‌چنین در می‌یابد کدام یک از آنها ثابت و کدام متغیر است؛ در کجا باید رعایت شود و در کجا رعایت آنها لازم نیست. از سوی دیگر، رعایت ارزش‌ها با تأیید و واکنش مثبت دیگران و عدم رعایت آنها با واکنش منفی روبه‌رو می‌شود. همین باعث می‌شود رعایت ارزش‌ها با تجربیات خوشایند و عدم رعایت آنها با تجربیات ناخوشایند، شرطی شود؛ نوعی احساس مثبت در رویارویی با رعایت ارزش‌ها، و احساس منفی در رویارویی با عدم رعایت ارزش‌ها در او ایجاد شود؛ بدین ترتیب، فرد بتدریج با ارزش‌های اخلاقی اسلام آشنا می‌شود و آنها را درونی می‌کند و در نتیجه، نظام ارزشی مطلوب در فرد، شکل می‌گیرد و پرورش می‌یابد. اینکه چرا در تربیت اخلاقی هم باید از عوامل بیرونی و هم از عوامل درونی کمک گرفت، در دو ویژگی انسان ریشه دارد: نخست اینکه در وجود انسان دو لشکر صف آراسته‌اند: لشکر جهل و لشکر عقل. وضعیت انسان در

روشن کرد.

زندگى حضرت زهرا (عليها السلام) - على رغم كوتاهى عمر شريفشان كه حتى به دو دهه هم نرسيده است - آيينه تمام نماى يك زندگى كامل و جامع دينى است. مطالعه در روش زندگى ايشان، هر انسان حقيقت جويى را به حقيقت زندگى رهنمون مى سازد.

فاطمه زهرا (عليها السلام) يكي از حجت هاى خداوندى و يك الگو و رهبر است. ائمه اطهار (عليه السلام) ايشان را برخود مقدم مى شمردند و اعمال آن حضرت را سرمشق خويش قرار مى دادند. پيامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) نيز مى فرمايد: «خداوند متعال على، همسر و فرزندان او را حجت خود در ميان مردم قرار داده است».

فاطمه زهرا (عليها السلام) تنها زن معصوم در امت اسلامى است كه نقش رهبرى دارد و به منزله حجت و اسوه براى مردم معرفى شده و اطاعتش نيز واجب است. بنابر اين ابعاد فكري و زندگى ايشان بايد كاملاً شناخته شود. تربيت، بدون آگاهى بخشى و آموزش ممكن نيست. محتوى آموزش در بخش هاى گوناگون تربيت مانند تربيت دينى، اجتماعى و سياسى متفاوت است و به بررسى و تحليل نياز دارد. از مسائل مهم تربيت اسلامى، كشف اصول، فنون و روش هاى آموزش در سيره معصومان (عليه السلام) است. آيا آنان اصول، روش ها، فنون، شيوه ها و آداب ويژه اى را در آموزش احكام و معارف دينى به كار برده اند؟ اگر به كار برده اند، کدام اند؟ زيرا معصومان (عليه السلام) اسوه هاى كاملى براى بشرى هستند كه انسان ها مى توانند با اقتدا به ايشان و پيروي از روش آنان، دنيا و آخرت خويش را تأمين كنند. ايشان بيش ترين تلاش خويش را صرف تعالى روح و آبادسازى آخرت مى كنند، ولى از ديده گاه آنان، زندگى اين جهان نيز بخشى از حقيقت است كه بايد براى آخرت از آن بهره جست. چنان كه امام صادق (عليه السلام) فرمود: «ليس منا من ترك دنياه لآخرته و لا آخرته لدنياه»؛ كسى كه دنيايش

را براى آخرتش و آخرتش را براى دنيايش ترك كند، از ما نيست. بنابر اين شيوه هاى آموزشى آنان و اصول، فنون و آدابى كه در آموزش به كار مى برند، به گونه اى است كه از نظر علمى و روانى بيش ترين تأثير را در مخاطب مى گذارد؛ زيرا برخاسته از شناخت حقيقى از انسان و روابط انسانى است. با توجه به اهميت آگاهى و تربيت و ضرورت انتخاب الگوى مناسب در اين خصوص، در اين مقاله كوشيده ايم سبرى كوتاه در سيره فاطمه زهرا (عليها السلام) درباره آموزه هاى علمى، تربيتى و معيارهاى ايشان داشته باشيم، زيرا فاطمه (عليها السلام) در مقام الگوى امامان معصوم (عليه السلام)، كامل ترين الگوى انسانيت است.

دعا و جاىگاه آن در اسلام

دعا، خواستن و خواندن موجودى محدود پرنياز است از نيروى بى كران و بى نياز. دعا سلام انبياء (عليه السلام)، كار و پيكار اولياء و سيره عارفان و شيوه هميشه فرشتگان است. دعا نياز فطرى و خواسته درونى قلمداد شده است؛ به گونه اى كه پروردگار مهربان، خود فرمان دعاگوئى به بندگان داده است: «مرا بخوانيد تا شما را اجابت كنم». افزون بر اين، شيوه پيدا و پنهان بودن دعا و بيان گوناگون آن را گوش زد مى كند و دعا را گنجينه گشايش مشكلات و راه رهاى از اندوه و غم معرفى کرده است و آن را نشان روشن گر بندگان صالح خود ناميده است. چنين سخنان سبب حانى، موجب شده است كه پيشوايان اسلام نيز نگرشى عرشى نسبت به دعا، شرائط و لوازم اجابت آن از خود نشان دهند. رسول مكرم (صلى الله عليه و آله و سلم) در گفتارى گران بها، دعا را مغز عبادت و موجب دورى از هلاكت و تباهى مى دانند. امام على (عليه السلام) دعا را كليد رحمت و چراغى در ظلمت معرفى مى كند. و در جاى ديگر مى فرمايد: «دعا شايسته ترين اعمال نزد خداوند است».

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و انفاق در راه خدا». بصیرت آسمانی آن حضرت در این گفتار به خوبی نمایان است؛ زیرا کمال تکامل انسان در سه جلوه پدیدار است: ۱. ارتباط با خدا که تلاوت قرآن هنگام گوش دادن به سخنان پروردگار و نماز هنگام گفت و گوی بندگان با خداست؛ ۲. ارتباط با نبوت و ولایت و بهره‌گیری از سخن و سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و پیشوایان پاک (علیه‌السلام)؛ ۳. ارتباط با توده مردم که در احسان و انفاق تجلی می‌یابد، و این شیوه همیشگی پیشوایان معصوم (علیه‌السلام) در طول تاریخ بوده است؛ زیرا حضور در فضای فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه و رسیدگی به مستمندان و دل‌جویی از آنان شرط هدایت و رهبری جامعه می‌باشد.

ضرورت حجاب در سیره فاطمی

حجاب از نگاه حضرت زهرا (علیه‌السلام) دارای ارزش و ضرورت والایی است که با گفتار و عمل خویش بارها اهمیت آن را اعلام کردند. روزی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) بهترین را برای بانوان سوال کردند. حضرت زهرا (علیه‌السلام) در پاسخ عرضه داشتند: «بهترین برای زنان آن است که نه آنان مردان نامحرم را ببینند و نه مردان بیگانه آنان را بنگرند».

در جای دیگر، ایشان حضور زنان را در خانه - غیر از زمان‌های ضروری و تأثیرگذار در عرصه‌های اجتماع - موجب عبادت و تقرب به پیشگاه خداوند بزرگ می‌داند و می‌فرماید: «آن‌هنگام که زن در خانه می‌ماند، از همه حالات به پروردگارش نزدیک‌تر است».

روزی دیگر، برتر از همه موارد، به لطافت و ظرافت زن توجه کرد. و چون همراه نابینایی را با پدر می‌بیند، خود را می‌پوشاند و به پدر عرض می‌کند: «اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌نگرم، و او بوی مرا استشمام می‌کند».

ارزش و اهمیت دعا در نگاه فاطمه زهرا (علیه‌السلام) از نظر بانوی معظم اسلام نیز دعا جای‌گاهی ارزشمند دارد و محبوب‌تر از دنیا و آنچه در دنیاست شمرده شده است. روزی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) رو به فاطمه زهرا (علیه‌السلام) فرمودند: دخترم آیا دوست داری دعائی به تو بیاموزم که هیچ‌کس آن را نمی‌خواند مگر اینکه خواسته‌هایش تحقق می‌یابد. حضرت زهرا (علیه‌السلام) بی‌درنگ پاسخ دادند: «پدرجان! چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب‌تر است». روزی دیگر پس از رحلت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم)، حضرت زهرا (علیه‌السلام) رو به زنان عزادار در اعتراض به ارزش‌های جاهلیت آنان فرمود: «ای زنان عزادار! دست از نمایش افتخارات و صفات بردارید و به دعا و راز و نیاز پردازید».

دنیا و دنیاخواهی و دنیاجویی در سیره فاطمی

دنیاخواهی و دنیاجویی در معارف ما دارای دو جلوه مختلف است. در یک‌سو دنیا خانه برتر پرهیزکاران و مددکار دست‌یابی به سرای جاودان نام‌گذاری شده است. اما در سوی دیگر، پست‌ترین اشیاء و بازار ضرر و زیان و مایه خواب و خسران معرفی شده است؛ به گونه‌ای که با آن همه عزت و عظمت در نگاه ظاهرینان، پیشوایان ما آن را تکه‌گوشتی ریز و رنج‌آور در بین دندان‌ها و یا پست‌تر از عطسه حیوان و بی‌ارزش‌تر از لنگه کفش فرسوده معرفی کرده‌اند. بانوی معظم اسلام نیز با چنین بینشی هنگامی که شیوه بسیاری از افراد را پرستش دنیا می‌دید، با صراحت می‌فرمود: «من دنیای شما دنیاپرستان را دوست ندارم». اما در سخن دیگر چون نسبت بهره‌گیری از دنیا برای آخرت مطرح می‌شود، آن بانو عظمی سه راهکار بیان می‌کند و می‌فرماید: «از دنیای شما سه چیز نزد من محبوب است: تلاوت قرآن، نگاه به چهره

تعادل و تنظیم روابط در سیره فاطمی

بی‌گمان تعادل و تنظیم روابط، بی‌آمدهایی چون حضور پر نشاط و سالم برای مردان و زنان در عرصه‌های مختلف خانواده و جامعه را به همراه خواهد داشت. همان‌گونه که حضرت زهرا(علیها السلام) از یک‌سو خود را در برابر دیگران نامحرم می‌پوشاند و از لطافت و مایه وجودی زنان سخن می‌گفت و از سوی دیگر، با پاک‌سیرتانی چون سلمان، عمار و مقداد به گفت و گو می‌پرداخت و آنان چنان انس و الفتی با محیط سالم و ملکوتی زندگی حضرت زهرا(علیها السلام) داشتند که در پاره‌ای از زمان‌ها به کمک ایشان در کارهای منزل می‌شتافتند.

فراتر از این جلوه، ابعاد حضور حرکت آفرین حضرت زهرا(علیها السلام) در عرصه‌های سیاسی است که نشانگر نگاه نو و بینش کامل و زمان‌شناسانه ایشان است.

بحث و نتیجه‌گیری

تربیت اخلاقی، مجموعه‌ای از اقدامات است که به منظور آموزش اصول اخلاقی و پرورش فضیلت‌های اخلاقی مطلوب اسلام صورت می‌گیرد. هدف اصلی تحقیق، شناسایی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) بود. در این پژوهش سه پرسش اصلی درباره تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) مطرح بود. در بررسی‌های عمیق کیفی از منابع پژوهش، سه مبنا استنباط شد که هر مبنا بر اصول و روش‌هایی ناظر است که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. جمع‌بندی مبانی، اصول و روش‌های مورد مطالعه حاکی است که در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) اخلاق و تربیت اخلاقی از ایمان و اعتقاد به خدا سرچشمه می‌گیرد. معصومین همواره در سیره تربیتی خود پرورش‌مندی را مورد توجه قرار داده‌اند که بتوانند وظیفه اخلاقی خود را در موارد گوناگون، مستقلاً یا با مراجعه به

مراجع معتبر، تشخیص دهند و بدون تأثیرپذیری از موانع بیرونی و درونی به وظیفه اخلاقی خود عمل کنند؛ علاوه بر این، دقت در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) گویای این است که در این سیره، نگاه متعادل به عقل، وحی، دین، اخلاق، حسن فعلی و حسن فاعلی همواره مد نظر بوده است؛ یعنی اینکه نه این منابع کنار زده شود و نه درباره آن بزرگ‌نمایی گردد بلکه هر کدام از آنها در حد واقعی خود به رسمیت شناخته شود؛ این نگاه است که به تربیت اخلاقی جامعیت می‌دهد و سیاست‌گذاران نظام آموزشی و فرهنگی می‌توانند با برنامه‌ریزی مطلوب خود این نگاه تربیتی را در کل نظام آموزشی و فرهنگی تسری دهند. از این رو پیشنهاد این پژوهش برای سایر پژوهش‌گران به منظور عمق و غنا بخشیدن به این موضوع این است که به طور جداگانه پژوهش‌هایی درباره هر کدام از مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی به عمل آید تا بر اساس یافته‌های هم‌خوان این پژوهش‌ها دستمایه‌هایی برای تدوین الگوی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) فراهم آید تا زمینه را برای تحقیق تجربی ممکن سازد. از محدودیت‌های پژوهش این بود که هرچند در استنباط مبانی تربیت اخلاقی از احادیث و روایات وارد شده از تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) نهایت تلاش و دقت به خرج داده شد، ممکن است در مواردی با استنباطات اندیشمندان حوزه دین کاملاً یکسان نباشد که لازم است مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- امید، مسعود (۱۳۸۱). *درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران*. ج ۱. تبریز: دانشگاه تبریز، مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی انسانی.
- امین، سید محسن (۱۳۷۶). *سیره معصومان*. ترجمه محمدباقر حجتی. تهران: سروش. چاپ ۲.

- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۵). سنن‌النبی. ترجمه محمد هادی فقهی. تهران: دفتر نشر اسلامی.
- طبرسی، رضی‌الدین حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی. چاپ ۶.
- داودی، محمد (۱۳۹۵). سیره تربیتی اهل بیت (علیه‌السلام). ج ۲. تهران: انتشارات سمت.
- بحرانی، شیخ عبدالله (بی تا). عوالم‌العلوم‌والمعارف. ج ۱۱. قم: مؤسسه الامام‌المهدی.
- طیب، سید عبدال‌الحسین (۱۳۸۶). تفسیر اطیب‌البیان. ج ۱۳. قم: مؤسسه سبئین.
- شیخ طوسی (۱۴۱۱ق). الغیبه، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه
- الاهوانی، احمد فواد (۱۴۱۲ق). التریبه فی الاسلام. ج ۱. قاهره: دارالمعارف. چاپ ۲.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۱. تهران: انتشارات مدرسه. چاپ ۴.
- بناری، علی‌همت (۱۳۷۹). تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن. ج ۲. تهران: نشر اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). وسائل‌الشیعه. ج ۱. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام. چاپ ۸.
- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۰۸ق). ارشاد‌القلوب. ج ۳. انتشارات شریف رضی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲). خصال. ج ۲. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ ۲.